نمود تعدد قرائات منزله در روایات ذیل آیه«سأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ»

نکته دوم؛ تازه به این برخورد کرده‌ام. اگر یادتان باشد قبل از اینکه این مقاله تواتر نقل اجماع بر تواتر قرائات سبع را از مفتاح الکرامه شروع کنیم؛ شاید دو سال قبل بود؛ بحثی را شروع کردیم که دو یا سه جلسه شد و بعد هم نیمه کاره ماند. بحث خیلی خوبی هم بود. ان شاالله ادامه پیدا کند. همه به مرحوم کلینی نسبت می‌دهند که ایشان روایت حرف واحد را آورده است و حرف واحد را هم معنا می‌کنند به اینکه تنها یک قرائت درست است. گفتیم باید به حمل شایع در خود کافی ببینیم؛ مثلاً دو روایت در کافی می‌آید که هر دو را امام معصوم به خدای متعال نسبت می‌دهند و دو قرائت است. این نکته خیلی خوبی بود که از کافی نشان دهیم که مرحوم کلینی روایاتی را می‌آورند که در هر دو روایت از جانب معصوم علیه‌السلام به خداوند متعال نسبت داده می‌شود و حال اینکه خود ایشان حرف واحد را هم آورده‌اند. این مطلبی بود برای جمع بین آنها که آن وقت شروع شد. در فدکیه صفحه‌ای هم دارد.

در همین راستا در این هفته به مطلبی برخورد کردم؛ اگر شما هم برخورد کردید بفرمایید تا ما هم استفاده کنیم. من ذیل آیه شریفه مطالعه می‌کردم؛ «سأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ[۱]»؛ خب این آیه‌ای معروف است؛ مخصوصاً اینکه به‌خاطر ارتباطش با غدیر نزد شیعه روشن است. الآن هر دو روایت در کافی شریف نیست اما دو روایت است که یکی در کافی است و یک در غیبت نعمانی است. هر دو هم از لسان عصمت است که برای ما نقل می‌شود. جالب است که شما این دو را ملاحظه کنید. یکی از آنها، دو لسان در دو جای کافی است. من سریع آدرس‌ها را می‌گویم و تنها بخش مورد نظر را می‌خوانم.

> عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى- سأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ لِلْكافِرِينَ بِوَلايَةِ عَلِيٍ لَيْسَ لَهُ دافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعارِجِ نَزَلَ بِهَا جَبْرَئِيلُ ع عَلَى مُحَمَّدٍ ص[۲]

این یک روایت کافی است. روایت دوم در خود کافی شریف در جلد هشتم، صفحه ۵۷، حدیث هجدهم:

> عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ جَالِساً إِذْ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فِيكَ شَبَهاً مِنْ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ لَوْ لَا أَنْ تَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَإٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ يَلْتَمِسُونَ

> بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ...فَقَالَ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابِ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّ لَا نَقْرَؤُهَا هَكَذَا فَقَالَ هَكَذَا وَ اللَّهِ نَزَلَ بِهَا جَبْرَئِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ ص وَ هَكَذَا هُوَ وَ اللَّهِ مُثْبَتٌ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ ع فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِمَنْ حَوْلَهُ مِنَ الْمُنَافِقِينَ انْطَلِقُوا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَقَدْ أَتَاهُ مَا اسْتَفْتَحَ بِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ[۳]

«... اللَّهِ مُثْبَتٌ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ»؛ این از آن‌هایی است که قبلاً عرض کردم؛ روایتی بود که می‌فرمود: «ما فیه مِن قُرآنِکم حَرفٌ واحِدٌ[۴]»؛ اما چندین روایت هست که می‌فرمایند در مصحف شریف حضرت زهرا آیات قرآن کریم هست. معلوم می‌شود که مصحف به این مربوط می‌شود. آن روایت معنایی داشت که چندبار صحبت کردیم. این دو روایت را داشته باشید.

پس حضرت فرمودند: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»، این دو روایت هست و قسم هم همراه آن‌ها هست. حالا به کتاب غیبت نعمانی بیایید. صفحه ۲۷۲؛ البته در اصل مصدر کتاب یک سقطی دارد. در تفسیر البرهان مرحوم آسید هاشم بحرانی آن سقط نیست. لذا سؤالی که جواب داده‌اند چون شبیه هم بوده ساقط شده. من این روایت را از تفسیر برهان می‌خوانم.

> عن جابر، قال: قال أبو جعفر (عليه السلام): «كيف تقرءون هذه السورة؟» قال: قلت: و أي سورة؟ قال: سأل سائل بعذاب واقع. قلت: سأل سائل بعذاب واقع فقال: «ليس هو سأل سائل بعذاب واقع و إنما هو (سال سيل بعذاب واقع) و هي نار تقع بالثوية، ثم تمضي إلى كناسة، بني أسد، ثم تمضي إلى ثقيف، فلا تدع وترا لآل محمد إلا أحرقته»[۵]

زیبایی روایت غیبت نعمانی این است که خود امام علیه‌السلام ابتدا به ساکن سؤال می‌کنند. در روایتی که در کافی بود حضرت قسم خوردند، اما در اینجا خود حضرت ابتدا به ساکن سؤال می‌کند. جابر بن یزید می‌گوید:

«قال أبو جعفر (عليه السلام): «كيف تقرءون هذه السورة؟» قال: قلت: و أي سورة؟ قال: سأل سائل بعذاب واقع. قلت: سأل سائل بعذاب واقع»؛ یعنی به این صورت می‌خوانیم. این در تفسیر برهان است.

«فقال: «ليس هو سأل سائل بعذاب واقع و إنما هو (سال سيل بعذاب واقع) و هي نار تقع بالثوية»؛ ثویه کوفه. ادامه روایت را خودتان ببینید.

در آن روایت حضرت قسم خوردند که به این صورت نازل شده اما در اینجا خودشان سؤال می‌کنند که «کیف تقرئون»؛ شما چطور می‌خوانید؟ «سأل سائل» با همزه است. اما وقتی می‌گوید ما «سأل سائل» می‌خوانیم، حضرت می‌فرمایند نه، این «سال سیل» می‌باشد. این روایت غیبت نعمانی خیلی بحث دارد. الآن تنها با اشاره عرض می‌کنم. ببینید خود همین قرائت «سال»، قرائت قراء سبعه است. یعنی نافع که قرائتش مدنی است، «سأل» نمی‌خواند، می‌خواند «سال سائل». عاصم و کوفیین می‌خوانند «سأل سائل» اما نافع مدنی می‌خواند «سال سائل». خب در مصحفی که در آن زمان بوده «سائل» با الف نوشته شده بود که الآن در مصاحف ما با الف است؟ ای مثل خیلی از مواردیکه دیدید الف به‌صورت «یاء» نوشته می‌شود؟ خب اگر در آن جا الف ندانشته...؛ کما اینکه در

کتب تفسیر اهلسنت مفصل هست که «فی قرائة ابن عباس سال سیل». در قرائت قراء سبعه عرض کردم که دو تا قرائت هست: «سأل سائل» و «سال سائل». اما در تفاسیر میگویند قرائت ابن عباس «سال سیل» بود. در کتاب غیبت نعمانی میبینید که امام ابتدا به ساکن به جابر میفرمایند که شما چطور میخوانید؟ او که میگوید «سأل سائل»، حضرت نفی میکنند و میفرمایند «لیس هو سأل سائل بعذاب واقع، انما هو سال سیل» که بعد هم توضیح میدهند. اما چطور حضرت در حدیث دیگر قسم خوردند که «والله هکذا نزل»؟ بعد هم توضیح میدهند ربطی به آن ندارد و برای ثوبه کوفه است. ببینید چقدر روشن این دو حدیث میگوید تعدد نزول در اینجا امر پذیرفته شده است و محال نیست.

«سأل سائل، هکذا والله نزل»، حضرت میفرمایند آن طوری که شما میخوانید بهعنوان قرائت مفرده تنها نزول نیست، «انما هی سال سیل»؛ این هم یک نزول دیگری است که ملک وحی آورده است. نظیر این در خود کافی بود. روایاتی که دو قرائت را نسبت میدهند.

همانطور که قبلاً عرض کردم، علامه طباطبایی در همه تابان فرموده بودند اساساً عرض سنوی برای همین بود. عرض سنوی برای این بود که ملک وحی یک پایه را با ظرفیتهای بالا، دو جور میآورد. البته ما در هفت-هشت سالی که مباحثه کردیم حکمی که برای تعدد قرائات میتواند باشد را گفتیم؛ شاید بیش از هفت-هشت مورد شد. و همچنین تفاوت آن با استعمال لفظ در اکثر از یک معنا روشن شد. این هم نکته دوم بود که تازه برخورد کرده بودم. در اینجا دو روایت هست که در لسان معصوم علیهالسلام بهعنوان کلام خدا ذکر میشود. صفحهای که در فدکیه هست را اگر نگاه کنید، من بقیه آن را آوردهام؛ «سلام علی آل یاسین» و «سلام علی ال یاسین». خب هر دوی آنها نازل شده و ملک وحی آنها را آورده، جزء قراء سبعه هستند که متواتر هستند. اینها را قرائت کردهاند و با این دیدگاه یک امر صافی است.

شاگرد: در «سال سیل» احتمال اشتباه نسخه نمیرود؟ یعنی «سائل» باشد؟

استاد: «سال» که در قراء سبع هست. آن هیچ. اما در قراء سبعه «سال سیل» نداریم.

شاگرد: احتمال نمیرود که این «سال سیل» همان «سال سائل» باشد؟

استاد: اگر بود که «سائل» مینوشتند.

شاگرد: خب اینطور نوشتن ها که هست.

استاد: بله، این در نکته ی سومی که میخواهم بگویم هست.

---

[1]المعارج : ۱

[2]الكافي- ط الاسلامية ۱ ص۴۲۲

[3]همان ج ۸ ص۵۷

[4]همان ج۱، ص: ۲۳۹؛ ... إِنَّ عِنْدَنَا لَمُصْحَفَ فَاطِمَةَ وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ قَالَ قُلْتُ وَ مَا كَانَ فِيهِ قَالَ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ اللَّهِ مَا فِيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ... . مُصْحَفُ فَاطِمَةَ قَالَ مُصْحَفٌ فِيهِ

[5]البرهان في تفسير القرآن ؛ ج۵ ؛ ص۴۸۵

بازبینی #4
ایجاد شده 27 آوریل 2024 15:06:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 12:45:05 توسط ... .